

تهیه کننده : عصمت نایخیل

بزرگداشت از پنجاه و هشتمین سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر از طرف کمیته زنان افغان مقیم کشور دنمارک

بعد از جنگ جهانی دوم ، شعبه امور اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد ، بعد از دو سال کار علمی و تخصصی « اعلامیه جهانی حقوق بشر » را شامل ۳۰ ماده ترتیب و بتاریخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ در « یکصد و هشتاد و سومین » اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسانیدند. مجمع عمومی « اعلامیه جهانی حقوق بشر » را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل جهان اعلام میکند: تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دایماً در نظر داشته و کوشش نمایند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی آنها ، میان ملل و مردم کشورهای که در قلمرو آن ها زنده گی میکنند تأمین گردد. اما طوریکه مشاهده میشود در جوامع امروزی ما حقوق بشر نه تنها مراعات نمی گردد بلکه به شکل وحشیانه آن در بعضی نقاط جهان مانند افغانستان ، عراق ، فلسطین و... نقض میگردد و اعمال غیر انسانی با باشندگان بیگناه کشور های مذکور توسط قوت های متجاوز خارجی تحت نام (صدور دموکراسی به زور تنفگ !!!) صورت میگیرد.

کمیته زنان افغان در دنمارک به بخاطر بزرگداشت از این روز جهانی، گردهمایی باشکوه یی را به اشتراک تعدادی زیادی از هموطنان افغان مقیم این کشور ، بتاريخ ۸ دسامبر ۲۰۰۶ برگزار نمود ، در آغاز این گردهمایی محترمه سهیلا شیرزی مسؤول کمیته زنان افغان مقیم کشور دنمارک صحبت پرمحتوا و همه جانبه در رابطه به بزرگداشت از این روز جهانی ایراد نمودند که متن آن غرض معلومات بیشتر خدمت خواننده گان محترم پیشکش میگردد :

دوستان ، مهمانان گرامی!

اعلامیه حقوق بشر ۵۸ سال قبل از امروز ، به تاریخ دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ به شکل قطعنامه مجمع سازمان ملل متحد که انعکاس آرمان مشترک همه اعضای سازمان در کره

زمین برای تأمین حقوق انسانی خانواده واحد بشری بوده است، به تصویب رسید. مواد مندرج این اعلامیه جهانی تجلی و بیان آشکار افکار داهیانه و خردمندانه انسان است. انسان به حیث مضمون مرکزی اعلامیه بدون هر نوع تبعیض و تمایز در هریک از مواد اعلامیه با ابعاد وسیع و همه جانبه طرف توجه قرار گرفته که هر انسان والا اندیش بدون تمایز از لحاظ جنس و یا سایر خصوصیات متمایز، آرمان مشترک خانواده بشری را در آن دریافته میتواند.

یکی از مسایل اساسی مسأله دوجنس یعنی زن و مرد به حیث عنصر اساسی و لایتجزای جامعه بشری همواره در خطوط اساسی اندیشه ها و افکار اندیشمندان خردمند و بزرگ قرار داشته است. این مسأله اساسی را دیدگاه فوق الذکر میتوان در هر یک از مواد اعلامیه حقوق بشر و به حیث یک خط زرین در اعلامیه به طور کل مشاهده کرد.

نگرش به گذشته درین مقطع زمانی و نتیجه گیری از تحقق عملی مواد این اعلامیه در راه سعادت انسان کره خاکی ما، با دریغ و تأسف نتایج و استنتاجات منفی ناشی از نقض حقوق بشر حاصل سالهای طی شده در زمینه بوده است.

چه همچو بیداد و فریاد انسان از همه کرانه های زمین در رابطه به ظلم و بیدادگری ستمگران و زورمندان برمظلومان که ادامه داشته و دارد. زیرا حقوق انسان به اشکال گوناگون و به درجات متفاوت تحت پاشنه های بیرحم و نابود کننده ممنوع اش با قساوت و سنگدلی خارج از احساس و درک انسانی مورد تعرض قرار گرفته و پامال گردیده است.

هیئت های حاکمه ظالم بررعیای تحت تسلط خویش به شکل دیکتاتوری برهنه و خشن و یا درعقب پرده های تذویر و ریا، حقوق انسانی آنها را با استفاده از وسایل دست داشته مورد تعرض قرار داده و از آن به نفع خویش بهره برداری مینمایند.

ماهیمین اکنون شاهد بازی های مضحک در قبال حقوق بشر میباشیم. جنگ های منطقی در جهان به خاطر دست یابی قدرت های بزرگ جهان به منافع اقتصادی و سیاسی شان آشکارترین و خشن ترین اشکال نقض حقوق بشر را حکایت میکنند.

وقایع جنگ های عراق، اسرائیل و فلسطین، لبنان، افغانستان، چیچین و غیره، حکایت های جنایت نسبت به بشر و نقض حقوق بشر را در قلب تاریخ ثبت نموده که روح و روان انسانی را تحت تأثیر عمیق خویش قرار میدهد.

تسلط حکومت های دیکتاتوری و نظامی ، برسیستم جوامع برخی از کشورهای جهان ابتدایی ترین حقوق و آزادی های بشری را از مردمان آن جوامع سلب نموده و باشندگان آن را به طور دوامدار مورد شکنجه های روانی و فیزیکی قرار دادند.

افغانستان و مردم ستم دیده آن در دوران بیش از ۲۵ سال جنگ داخلی و مداخلات کشورهای خارجی بزرگترین جنایات و تخطی های صریح حقوق بشر را متحمل شده است. باوجود گذشت بیش از ۵ سال از حضور نیروهای خارجی به رهبری امریکا در افغانستان ، خشونت در این کشور به شدت افزایش یافته است.

زنان از بی عدالتی ، عدم امکانات تحصیلی ، نبود داکتر ، وجود خشونت های خانواده گی ، خشونت در محل کار و خشونت در شهرو بازار رنج میبردند.

درولایت هرات و قندهار امواج خود سوزی براه افتاده است، درولایت هرات در موجودیت رژیم موجود نزدیک به ۶۳ زن به دلیل خشونت شوهران شان خود را به آتش کشیده اند. خشونت و زن ستیزی به فرهنگ معمول در جامعه جنگ زده افغانستان مبدل گردیده است.

پس از روی کار آمدن رژیم پوشالی موجود که زیر نام دموکراسی و حقوق بشر زنان را به اصطلاح به پنبه حلال میکنند وضع زنان کماکان پُر از تلاطم و بد بدختی است.

ازدواج های اجباری ، مبادله کردن دختران جوان با حیوانات تجاوز به کودکان و سوء استفاده جنسی از آنها و فروش اطفال افزایش یافته است. دولت درمورد حداقل کاهش مسایل بحران استخوان سوز افغانستان منجمله تأمین امنیت، جمع آوری اسلحه، رعایت لازم حقوق بشر ، استقرار صلح لازم ، قطع کشت کونار، منع کامل قاچاق ، دموکراتیزه کردن واحد های ولایتی ، ریشه کن سازی طالبان و القاعده ، خلع سلاح و قدرت جانیان محلی ، محاکمه قانونی قاتلین مردم ، حل اساسی مسأله دارایی و ملکیت های غصب شده مردم از جانب تفگسالاران ، تشکیل یک دولت دموکراتیک - عادلانه و حل اساسی حقوق زنان را عملی نکرده اند.

درسطح جهانی با افشاء شدن گسترده یی شکنجه های ظالمانه یی نیروهای امریکا در عراق و افغانستان و درزندان های بگرام و ابوغریب ، گوانتی نامو و زندان های سری در کشورهای اروپایی شرقی و نیز حمله های هوایی و بمباردمان روزمره مردم غیر نظامی در شهرهای عراق و افغانستان بر ادعاها و حیثیت و اعتبار امریکا به عنوان مدافع آزادی و

دموکراسی و حقوق بشر و داعیه های هژمونی طالبانه اش به عنوان رهبر جهان آزاد، لطمت جبران ناپذیری وارد نموده است.

کمیۀ زنان افغان مقیم کشور دنمارک از همه کشورهای ذیدخل در قضیۀ افغانستان و کشورهای مترقی و نهاد های بین المللی بشر دوست خواهان آن اند که : به تراژیدی و فاجعه موجود در افغانستان پایان بخشیده و به حقوق حقۀ مردم شرافتمند ، رنجدیده و تحت ستم افغانستان احترام گذاشته و آنرا رعایت نمایند.

ملل متحد میتواند طی یک قطعنامه باتشکیل یک محکمه خاص در داخل افغانستان برای بررسی جرایم جنگی مبنی بر نقض حقوق بشر را بطور قاطعانه و جدی بررسی کند.

باظهار امتنان

از توجه تان تشکر

درین گردهمایی یادداشتی از شورای افغانان مقیم دنمارک توسط محترم هادی ابوی نیز قرائت شد که متن آن چنین است:

حضار گرامی !

قبل از همه اجازه دهید به نمایندگی از شورای افغانان مقیم دنمارک مراتب شادباشهای خویش را خدمت خانم سهیلا شیرزی مسؤول سازمان زنان افغان در دنمارک و سایر همکاران شان بخاطر تدویر گردهمایی امروزی که بمنظور دفاع از داعیه برحق انسانی یعنی حقوق بشر راه اندازی شده است ابراز بدارم .

جای خرسندی است که تدویر گردهمایی و تجلیل ازین روز به یک عنعنه به شورای زنان افغان در دنمارک مبدل شده است ؛ و این عنعنه ایست نیک و پسندیده زیرا همه ساله در همین روز از همین تربیون، آواز انسان زجر دیده و به خاک و خون کشیده شده افغان که سالهای سال حقوق انسانی اش پامال شده است ، بلند میشود .

دوستان عزیز !

افغانان نمونه برجسته ء از افراد جامعه بشری اند که انواع گوناگون نقض حقوق شانرا شاهد بوده اند . به هر گزارشی از نهاد های حقوق بشر که نظر انداخته شود در سر لوحه

آن خوانده میشود که افغانستان قربانی جنگ است . با وجودی که دیگر این جمله کلیشه ای شده است ، ولی چه باید کرد که غیر از آن نمیتوان نوشت .

جنگ ویرانی کرد ، جنگ شهر هارا به آتش کشانید ، جنگ مادران را به سوگ فرزندانشانند ، جنگ چادر بیوه گی بر سر تازه عروسان انداخت ، جنگ چتر سعادت اطفال یعنی پدر و مادرشانرا از نزد شان گرفت ، جنگ جوانان را از طبیعی ترین حقوق شان که نشاط دوره جوانیست محروم ساخت و سر انجام جنگ هست و بود مردم مارا به یغما برد و کشور مارا به تالاب خون بدل کرد .

پس از حمله امریکا و نیروهای ناتو به افغانستان بته امیدی در دل مردم بینوای افغان جوانه زد که گویا با آمدن این علم برداران صلح و حافظان حقوق بشر!!! بلکه تغییری در زندگی شان بوجود آید و زندگی بهتری نصیب شان شود . اما این بته امید با راه یافتن نیرو های فندمنتالیست جهادی طالبی در حکومت ساخته شدهء امریکا در افغانستان بزودی خشکید و سنگ ناامیدی شیشه آرزوهایشان راشکست . درین پنج سالی که از حضور امریکا و ناتو در افغانستان میگذرد ، نه تنها هیچ کاری در جهت احقاق حقوق مردم صورت نگرفته بلکه صدها مورد نقض حقوق بشر در گزارشهای مربوط به موسسات زیربیط ثبت شده است ؛ نه چشمی وجود دارد که ببیند ونه گوشی که بشنود . همان آش است و همان کاسه ، هر که زر و زور دارد هرچه دلش میخواهد ، میتواند بکند . دهها مثال وجود دارد که گزارشگران حقوق بشر مطلبی را به نشرسپرده و به مراجع مربوط گزارش کرده اند ، اما این گزارشها نه تنها اثری بجا نگذاشته که از طرف مورد ادعا حمایت هم صورت گرفته است . جالب است در مواردی که حقوق بشر از جانب نیروهای خارجی مستقر در افغانستان نقض میشود ، هم تصمیمی گرفته نمیشود تا برای دیگران مایه عبرت باشد . سرباز امریکایی مرتکب شنیع ترین عمل در برابر یک زندانی افغان میشود و اما اعلان میشود که فرد ناقض حقوق بشر به سه ماه حبس محکوم شد . حالا دیگر اینکه کدام دادگاه در کجا و بر اساس کدام معیارها مسأله را بررسی کرده و چگونه متهم را محکوم ساخته است و در کدام زندان حبسش را سپری میکند؟ هیچکسی و هیچ مرجعی حق پرسش و جستجو را در مورد ندارد . اینست نمونه از پرداختن به مجازات ناقضین حقوق بشر با درنظرداشت چنین وضعیتی میتوان برداشت کرد که حقوق بشر در افغانستان چه

وضیعتی میتواند داشته باشد . اصلاً از دولتی که اراکین بزرگش خود در لست ناقضین حقوق بشر سازمان ملل ثبت باشد چه انتظار بالاتر ازین میتوان داشت .

به هر حال اجازه میخواهم تا از طریق این تریبون از دوستانی که برای نهاد های حقوق بشر در دنمارک کار میکنند تقاضا کنم که صدای ملت ناتوان و درد رسیده افغان را از طریق نشر و پخش در رسانه های جمعی کشور دنمارک به آگاهی عامه برسانند زیرا برداشت عامه از وضعیت حقوق بشر در افغانستان در آگاهی شان از مطبوعات رسمی و دولتی خلاصه میشود . در پایان در حالیکه از دعوت سازمان زنان افغان در دنمارک اظهار شکران میکنم ، برای هریک از منصوبین این نهاد خیر اندیش افغانی موفقیت ، کامگاری و سرافرازی آرزو میکنم.

www.ayenda.com